

- Au, T. M., Sauer-Zavala, S., King, M. W., Petrocchi, N., Barlow, D. H., & Litz, B. T. (2017). Compassion-based therapy for trauma-related shame and posttraumatic stress: Initial evaluation using a multiple baseline design. *Behavior Therapy, 48*(2), 207-221.
- Bukowski, H., Tik, M., Silani, G., Ruff, C. C., Windischberger, C., & Lamm, C. (2020). When differences matter: rTMS/fMRI reveals how differences in dispositional empathy translate to distinct neural underpinnings of self-other distinction in empathy. *Cortex*.
- Elemo, A. S., & Türküm, A. S. (2019). The effects of psychoeducational intervention on the adjustment, coping self-efficacy and psychological distress levels of international students in Turkey. *International Journal of Intercultural Relations, 70*, 7-18.
- Gao, T., Meng, X., Qin, Z., Zhang, H., Gao, J., Kong, Y., & Mei, S. (2018). Association between parental marital conflict and Internet addiction: A moderated mediation analysis. *Journal of Affective Disorders, 240*, 27-32.
- Kanter, J. W., Kuczynski, A. M., Tsai, M., & Kohlenberg, R. J. (2018). A brief contextual behavioral intervention to improve relationships: A randomized trial. *Journal of Contextual Behavioral Science, 10*, 75-84.
- Leys, C., Arnal, C., Kotsou, I., Van Hecke, E., & Fossion, P. (2019). Pre-eminence of parental conflicts over parental divorce regarding the evolution of depressive and anxiety symptoms among children during adulthood. *European Journal of Trauma & Dissociation, 4*(1), 1-7.
- Luberto, C. M., Magidson, J. F., & Blashill, A. J. (2017). A case study of individually delivered mindfulness-based cognitive behavioral therapy for severe health anxiety. *Cognitive and Behavioral Practice, 24*(4), 484-495.
- Makhanova, A., McNulty, J. K., Eckel, L. A., Nikonova, L., & Maner, J. K. (2018). Sex differences in testosterone reactivity during marital conflict. *Hormones and Behavior, 105*, 22-27.
- Nayeri, A., Lotfi, M., & Noorani, M. (2014). The effectiveness of group training of transactional analysis on intimacy in couples. *Procedia-Social and Behavioral Sciences, 152*, 1167-1170.
- Rose, A., Anderson, S., Miller, R., Marks, L., Hatch, T., & Card, N. (2019). Longitudinal test of forgiveness and perceived forgiveness as mediators between religiosity and marital satisfaction in long-term marital relationships. *The American Journal of Family Therapy, 46*(4), 356-374.
- Skinta, M. D., Lezama, M., Wells, G., & Dilley, J. W. (2015). Acceptance and compassion-based group therapy to reduce HIV stigma. *Cognitive and Behavioral Practice, 22*(4), 481-490.
- Schaan, V. K., Schulz, A., Schachinger, H., & Vogele, C. (2019). Parental divorce is associated with an increased risk to develop mental disorders in women. *Journal of Affective Disorders, 257*, 91-99.
- Walker, D. K. (2020). Parenting and social determinants of health. *Archives of Psychiatric Nursing, 35*(1), 134-136.

مقایسه حقوق شهروندی بر اساس اندیشه‌های حسن زاده آملی و سیدحسین نصر

محمدجواد عصار^۱

جهانبخش رحمانی^۲

سیدحسین واعظی^۳

زهره سعادت‌مند^۴

چکیده

هدف از مطالعه حاضر مقایسه حقوق شهروندی بر اساس اندیشه‌های حسن زاده آملی و سیدحسین نصر بود. این پژوهش با روش تطبیقی - توصیفی انجام شد. این مطالعه تطبیقی به کمک الگوی بردی که دارای مراحل توصیف، تفسیر، هم‌جواری و مقایسه می‌باشد. معیار ورود مولفه‌ها به اجرای مطالعه مباحث و مطالبی بود که حقوق شهروندی را مسقیماً و غیر مستقیم در کتب خودشان به آن اشاره کرده بودند. اعتبار اسناد و مدارک جمع‌آوری شده از طریق نقد درونی و بیرونی انجام شد. یافته‌های نتایج نشان داد که از دیدگاه علامه حسن زاده آملی شامل همدلی با خلق خدا در حکومت اسلامی، الزام به حق و تکلیف، برخورداری از عدالت، رزق و روزی حلال، آموزش، توجه به سلامت جسم و روان، سلامت اجتماعی و از دیدگاه سیدحسین نصر، حقوق شهروندی شامل طبیعت، حقوق اقتصادی، حقوق شهروندان در حکومت اسلامی، حقوق زنان در جامعه اسلامی، آزادی، کرامت و عزت انسانی و حق حکومت در برابر مردم می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: حقوق شهروندی، علامه حسن زاده آملی، سیدحسین نصر، الگوی بردی

۱. دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
۲. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
۳. دانشیار گروه عرفان اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
۴. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

مقدمه

از مفاهیم نوپدیددی که به لحاظ ماهیتی در منابع اسلامی نیز می‌توان مصادیق آن را مشاهده نمود، حقوق شهروندی می‌باشد (صفاری، ۱۳۹۴). توأمان بودن زندگی با امنیت و آسایش و برابری همواره از بزرگ‌ترین آمال بشر بوده است. این آرزو به دنبال رشد فکری و فرهنگی جوامع بشری و تلاش دانشمندان در قالب حقوق شهروندی انسجام یافته است. حقوق شهروندی از جمله مباحث نوپدیددی است که در چند دهه اخیر وارد ادبیات حقوقی و سیاسی شده است. این حقوق از جمله مفاهیمی است که بعضاً به عنوان مفهومی موازی با حقوق بشر شناخته می‌شود، حال آن که این دو مکمل یکدیگرند و البته مرزبندی آن‌ها امری دشوار است (طباطبایی، ۱۳۸۸). پیکره جامعه از دو رکن تشکیل شده است که عبارتند از فرمانروایان و فرمانبران. هر کدام از این ارکان عناوین حقوقی و وظایف خاصی را ایجاب می‌نمایند. در صورتی که دولت قدرت خود را ناشی از ملت دانسته و در مقابل ملت مسئولیت داشته باشد شهروند از حقوق و تکالیف متقابل در ارتباط با دولت برخوردار است از جمله حقوق می‌توان از آزادی عقیده، آزادی بیان، تساوی در برابر قانون، مصونیت جان، مال، مسکن و شغل از تعرض، تشکیل اجتماعات، انتخاب شغل دلخواه، تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش رایگان، حق دادخواهی، حق تابعیت و حق اقامت نام برد. در خصوص حقوق شهروندی باید گفت که حقوق شهروندی دارای دو نوع دیدگاه متفاوت می‌باشد که عبارتند از: بینش‌های اصالت فردی در جوامع مدنی و دیگری بیشتر به جوامعی تعلق دارد که به نوعی دارای بینش‌های جمع‌گرایانه هستند. همه آنانی که درباره جامعه مدنی بحث نموده‌اند به نوعی ناظر به حضور شهروند بوده‌اند اما فردگرایان به شهروند تشخص بیشتری نسبت به جمع‌گرایان داده‌اند (غمامی، ۱۳۹۰). حقوق شهروندی را باید مجموعه وسیعی از حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دانست که در کنار آن تکالیف و وظایف شهروندان در قبال دولت را مورد توجه قرار می‌دهد (محسنی، ۱۳۸۶).

در خصوص حقوق شهروندی از منظر فلسفه و عرفان علامه حسن‌زاده باید گفت که علامه حسن‌زاده آملی در مورد انسان بیان می‌دارد که انسان در عرف عرفان کسی است که لیاقت‌ها و قابلیت‌هایی دارد که چون به فضیلت برسند و او را متصف به صفات ربوبی و محاسن اخلاق و محامد آداب کنند، او دیگر همان حیوان ناطق نیست؛ بلکه انسان واقعی حقیقی است و به عنوان انسان حقیقی باید از حقوق خود به عنوان یک شهروند بهرمنند گردد. به عبارتی انسان از نظر عرفان دارای قابلیت‌ها و توانایی‌هایی می‌باشد که می‌تواند دارای حق و حقوق شود و از آنها بهره‌مند شود (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۸). در واقع مبنای حقوق شهروندی و روابط شهروندی، ولایت می‌باشد و از همین رو علامه حسن‌زاده در بحث حقوق شهروندی و شهروند به ولایت پرداخته و ولایت را با رویکرد فلسفی - عرفانی نگریسته است (اسدپور و اسماعیلی، ۱۳۹۲). «اعتقاد من این است که حق عین خلق است منتهی حد را بردار حق را بگذار» اگر بخواهیم بین حق و خلق جدایی قائل شویم باید ترکیب میان این دو را ترکیب انضمامی بدانیم و اگر ترکیب حق و خلق ترکیب انضمامی شد دیگر نمی‌توان از اشکالات و ایرادات عقلی فلسفی رهایی یافت. از منظر علامه افراد در بهره‌مندی از حقوق با یکدیگر برابرند. به عبارتی مسیر کمال و سعادت برای زن به همان میزان فراهم است که زمینه آن برای مرد مهیا است؛ چراکه هر دو نوع واحدی هستند. در تحصیل علم، عدالت ورزی، توجه به معنویت و تزکیه نفس، آزادی عقیده و عمل بر اساس شرع و اشتغال تفاوتی میان این دو نوع نمی‌باشد. به بیان دیگر از منظر علامه حسن‌زاده آملی عدالت مقوله‌ای نیست که بتوان آن را به جنس خاص تخصیص زد و یا افرادی را از آن استثنا نمود (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۶).

درواقع می‌توان گفت که کمال و سعادت شهروندان در بهرمندی از حقوقشان در این است که انسان‌ها به دلیل انسان بودن از حقوق خود بهرمنداند، نه به دلیل دارا بودن جنسیت زن یا مرد (آذر طوس، بی تا). در نهایت اینکه می‌توان گفت که ایشان جنسیت (زن و مرد بودن) را در کمالات معنوی و نیز دستیابی به سعادت و همچنین بهرمندی از حقوق دخیل نمی‌دانند و به عبارتی دیگر علامه بدون لحاظ جنس، با نگاه به نوع انسان، موضوع را مورد بحث قرار می‌دهد. در بهره مندی از حقوق شهروندی تربیت نقش مهمی دارد. تربیت به مفهوم فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا ساختن همه استعدادها و حرکت تکاملی بسوی هدف مطلوب یا برنامه‌ای سنجیده و حساب شده است. آموزش شهروندی، نحوه ایجاد انگیزش در میان افراد برای پذیرش نقش شهروند و توجه منافع جمعی است (غیاثوند، ۱۳۹۴). علامه حسن‌زاده آملی بر این باور بوده و هست که برای فراگیری مبانی و مفاهیم علوم و رسیدن به تبحر لازم در معارف دینی و علمی مراجعه به استاد دانشور و متخصص هر فن و دانشی لازم می‌باشد ایشان می‌گویند: برای طالب کمال، استاد کامل خیلی دخیل است. از منظر علامه حسن‌زاده آملی، انسان نه روح تنها، نه جسم تنها، و نه مرکب از جسم و روح با ترکیب انضمامی، بلکه حقیقت واحدی است که بدنش مرتبه نازله اوست و یک هویت و شخصیت است. هدف تربیت؛ سعادت جاودان، سعادت نفس انسانی، کمال وجود و خدانشناسی است و مقدمه آن خودشناسی است. تفکر درباره خویشتن، رجوع به قرآن، فروتنی و خوف انسان در برابر عظمت کبریایی خداوند، تفکر در باره ابدیت، توجه به نیازهای ملک و ملکوت، ریاضت، نظردرنحوه تحصیل معارف خود، عرفان، علم و عمل و تامل در فرآیند رشد انسان از روش‌های تربیتی هستند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۸).

علاوه بر این، سیدحسین نصر نیز از جمله فیلسوفانی است که به بحث در خصوص حقوق انسان‌ها پرداخته و یکی از مهم‌ترین فیلسوفان سنت‌گرا در جهان معاصر به شمار می‌آید. وی اساس سنت‌گرایی را در دین و یا حکمت الهی می‌داند. وی به لحاظ فلسفی قائل به خرد جاویدان است و در حوزه عرفان و فلسفه اسلامی، دین‌شناسی تطبیقی و تاریخ علم در اسلام تخصص دارد. وی از ارائه دهندگان ایده علم دینی در سده بیستم و از صاحب نظران در موضوع نگرش‌های اسلامی به علم می‌باشد. وی حقوق انسان‌ها را با چیزی که امروزه در غرب حقوق بشر نامیده می‌شود، مفهوم و پریشی بنبادین دینی و فلسفی می‌داند. وی در خصوص حقوق بشر شهروندی معتقد است که در عصر حاضر، کسانی که سخن از حق و حقوق شهروندان و نیز حقوق بشر می‌زنند، و همچنین عده‌ای از سکولارها خود را در برابر پیروان ادیان گوناگون، پرچمدار راستین حقوق بشر وانمود می‌کنند، در حالی که چنین نیست. چرا که پرچمدار انسانیت، انسان‌ها را جز میمون تکامل یافته‌ای نمی‌دانند که از گونه‌های پست‌تر حیات و سرانجام از ترکیبات گوناگونی از مولوکول‌ها تکامل یافته‌اند. در واقع نصر حرمت انسان و حقوق وی را وابسته به نشان الهی مطرح نماید. وی از سنت‌گرایان می‌باشد و مخالف با مدرنیته می‌باشد. وی در خصوص حقوق شهروندان معتقد است که با وجود اینکه همه صحبت از حقوق بشر و حقوق شهروندی می‌کنند و کمتر از مسئولیت‌های بشری سخن می‌گویند، در عمل حتی در همان غرب مدرن هم در بسیاری موارد مسئولیت‌ها بر حقوق پیشی دارند (عطوفی کاشانی، ۱۳۸۶).

سیدحسین نصر در زمینه حقوق شهروندی معتقد است که حقوق، سیاستی استعماری می‌باشد. وی حقوق را از دیدگاه مذهبی اسلام مورد توجه قرار می‌دهد. اعتقاد و باور وی این می‌باشد که پایه و مبنای حق و حقوق افراد در اصل کلامی می‌باشد و ریشه در وظایف و مسئولیت‌های آدمی در برابر خداوند دارد. نصر در خصوص حق می‌گوید که «اصطلاح حق که از غنی‌ترین لغات در زبان عربی و

مسئولیت‌های ما در پیشگاه خداوند و شریعت الهی است. نصر معتقد است که انسان‌ها چه مرد و چه زن حق دارند که در طلب رستگاری نفوس خویش برآیند و اسلام مانند دیگر ادیان آن را نخستین تکلیف ما نسبت به خویش و نسبت به خدایی می‌داند که نفوسمان را بایستی سرانجام تسلیم او کنیم (نصر، ۱۳۸۸). وی به‌عنوان یکی از سنت‌گرایان در رابطه با حقوق مسلمانان به عنوان شهروندان جامعه معتقد است که مسلمانان باید در امور حکومتی جامعه خود حضور داشته و مشورت کنند و نیز و هر کسی حق دارد از زندگی عادلانه‌ای برخوردار باشد و نیز حق دارد علیه بی‌عدالتی برخیزد (امامی جمعه و طالبی، ۱۳۹۲).

نادیده‌انگاشتن حقوق شهروندی موجب شده است تا این موضوع مورد اعتراض شهروندان قرار گیرد. درباره این حقوق که در اصول متعدد قانون اساسی نیز به آن تصریح شده و در جوامع مختلف مورد بررسی و توجه می‌باشد برداشت‌های متفاوتی وجود دارد که متأسفانه در جامعه‌های سیاست‌زده، در سایه برداشت‌های سیاسی و سیاست‌زدگی و دعوای جناحی اصل این حق مورد ظلم قرار گرفته است. لذا حق شهروندی تنها داشتن تریبونی، برای بیان نظرات مخالف نیست، گرچه همه این‌ها را می‌توان زیرشاخه حقوق شهروندی معنا کرد، اما این حق مسلم دایره‌ای بس فراتر از صرف مطالبات سیاسی یا اقتصادی دارد. اگر این حقوق پاس داشته شود می‌تواند نقش بسیار پررنگی در جلب اعتماد عمومی و جلوگیری از احساس تحقیر و ظلم اجتماعی خواهد داشت. بنابر آنچه گفته شد در این پژوهش قصد بر آن است که تا با بررسی اندیشه دو فیلسوف (علامه حسن‌زاده آملی و حسین نصر) در خصوص حقوق شهروندی، به بررسی این مفهوم از منظر عرفان و فلسفه پرداخته شود.

روش پژوهش

مطالعه حاضر یک مطالعه تطبیقی-مقایسه‌ای براساس الگوی بردی می‌باشد تا به احصای دیدگاه‌های دو فیلسوف بزرگ جهان اسلام در خصوص حقوق شهروندی بپردازد. یکی از مهمترین روش‌های استاندارد برای مقایسه دو دیدگاه، الگوی بردی است که از نظر وی در مطالعات تطبیقی باید دیدگاهها و روشهای مناسب انتخاب شوند. الگوی بردی شامل چهار مرحله توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه است. در مرحله توصیف، پدیده‌های تحقیق براساس شواهد و اطلاعات یادداشت برداری شده و با تدارک یافته‌های کافی برای بررسی و نقادی در مرحله بعد آماده می‌شود. در مرحله تفسیر، اطلاعات توصیف شده در مرحله اول، واریسی و تحلیل می‌شود. در مرحله همجواری، اطلاعاتی که در دو مرحله قبل آماده شده، برای ایجاد چارچوبی برای مقایسه طبقه بندی شدند. در نهایت مرحله چهارم مطالعه (مقایسه)؛ برای پاسخگویی به آخرین و مهمترین سوال تحقیق، راهکارهای اجرایی برای پیاده‌سازی این استراتژی باهم مقایسه شدند تا راهکارهای پیشنهادی ارائه می‌گردد.

در این پژوهش جامعه آماری، کلیه اسناد و مدارک چاپ شده و در دسترس از دو اندیشمند فلسفه و عرفان (علامه حسن‌زاده آملی و سیدحسین نصر) است، لذا نمونه آماری در این مطالعه مشخصاً آن اسناد و مدارک است که در خصوص مولفه‌های حقوق شهروندی چه بصورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم بحث نمودند، می‌باشند. با استفاده از بانک‌های اطلاعاتی از قبیل سایت‌های تخصصی، کتب و مقالات چاپ شده و مباحثی که در قالب کنفرانس‌ها، همایش‌ها به انجای مختلف به دیدگاه‌های این اندیشمندان پرداخته بودند، اطلاعات مورد نظر جمع‌آوری شد. برای قضاوت در باره اعتبار اسناد مدارک موجود به نقد بیرونی و درونی منابع تاکید شده است و در نقد بیرونی، اصلی بودن مدارک

مدنظر بود بدین معنی که مدارک گردآوری شده همان مدارک مربوط به اهداف مورد مطالعه بوده و در نقد درونی اهمیت و صحت محتوای مدارک قضاوت شده و در جهت پاسخگویی به اهداف پژوهش می‌باشد. ملاحظات اخلاقی در مطالعه حاضر شامل امانتداری در انتقال مطالب، دقت در جمع‌آوری داده‌ها و تفسیر نتایج و رعایت حقوق مولفین بود.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱ به یافته‌های پژوهش درباره حقوق شهروندی از دیدگاه علامه حسن‌زاده آملی و جدول ۲ به یافته‌های پژوهش درباره حقوق شهروندی از دیدگاه سیدحسین نصر اختصاص داده شده است.

جدول ۱. توصیف حقوق شهروندی از دیدگاه علامه حسن‌زاده آملی

ردیف	مولفه‌ها	سال	منبع	ص کتاب
۱	اشاره به دیدگاه کلینی دستگیری از مستمندان	۱۳۹۲	دستور العمل‌های اخلاقی و سیر و سلوک	۶۷۰ در اصول کافی
۲	اشاره به دیدگاه کلینی مهربانی با بیچارگان	۱۳۹۲	دستور العمل‌های اخلاقی و سیر و سلوک	۶۷۰ در اصول کافی
۳	دلسوزی برای مستمندان	۱۳۹۲	دستور العمل‌های اخلاقی و سیر و سلوک	۴۹
۴	فروتنی با همه	۱۳۹۲	دستور العمل‌های اخلاقی و سیر و سلوک	۶۱
۵	مهربانی و دلسوزی با مخلوق	۱۳۹۲	دستور العمل‌های اخلاقی و سیر و سلوک	۷۶
۶	اشاره به شعر سعدی «من در میان جمع و دلم جای دگر است»	۱۳۹۲	دستور العمل‌های اخلاقی و سیر و سلوک	۶۱
۷	در توضیح صفات نمازگزار دوری از خودبینی را اشاره می‌کند	۱۳۹۲	دستور العمل‌های اخلاقی و سیر و سلوک	۴۹
۸	اشاره به تفسیر آیه ۸ سوره آل عمران به حق لبیک گفتن و طلب طیب کردن برای درمان	۱۳۹۲	دستور العمل‌های اخلاقی و سیر و سلوک	۱۱
۹	اشاره به فرزند را بر پدر حقی است و پدر بر فرزند حقی دارد		نهج البلاغه	۳۹۱
۱۰	خویشتن را تفویض به حق کن و او را وکیل خود بگیر	۱۳۹۲	دستور العمل‌های اخلاقی و سیر و سلوک	۵۱ و ۸۹
۱۱	استقامت کن همانگونه که مامو شده‌ای		تفسیر آیه ۶ سوره شوری	
۱۲	اشاره به تفسیر ایمان به خدا نیاوره است کسی که قطع رحم کند		شرح آقا جمال خوانساری	۳۰۹
۱۳	هر کس با رحم و خویشاوندان و خاندان خود طریق مواصلت و محبت نیوید و از ارحام کناره بگیرد آن کس به خدا ایمان ندارد.	۱۳۸۵	حکمت عملی	۶۲
۱۴	محبت حکم فطرت انسان است. هر که از حکم فطرت بیرون رود از معرفت و ایمان بی بهره ماند	۱۳۸۵	حکمت عملی	۶۱

ردیف	مؤلفه ها	سال	منبع	ص کتاب
۱۵	یکی آنکه با دشمن و دوست غضب و خوشنودی او را از عدالت بیرون نبرد، دیگر در حال فقر و غنا اقتصاد و میانه روی را رعایت کند، دیگر از خدا خوف و امیدواریش معتدل و مساوی باشد.	۱۳۸۵	حکمت عملی	۷۵
۱۶	عفو خدا بیشتر از جرم ماست		شرح آقا جمال خوانساری	۷۴
۱۷	عدالت یگانه وسیله حفظ دول است		شرح آقا جمال خوانساری	۳۰۹
۱۸	عدالت نگهبان خلق است.	۱۳۸۳	انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه	۲۱۱
۱۹	«در عالم دنیا و آخرت» آن سلطانست که در روزگارش مردم خوش زندگانی کنند و عدلش به تمام رعیت شامل باشد.	۱۳۸۳	انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه	۲۰۸
۲۰	هیچ صفتی دولتها را مانند صفت عدل بر رعیت از حوادث عالم حفظ نتواند کرد.	۱۳۸۳	انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه	۳۱۵
۲۱	بر تو باد به کسب و کار حلال و حسن اخلاق و نیکوئی با عیال و تدبیر منزل به نحو احسن و یاد خدا بودن در هر حال.	۱۳۸۵	حکمت عملی	۸۹
۲۲	و به حسن تدبیر منزل پردازیم و به رزق حلال بر آنها توسعه داده و وسایل تربیت روح و جسم آنها را فراهم آریم و به خلق خوش با آنها رفتار کنیم.	۱۳۸۵	حکمت عملی	۱۲۳
۲۳	چنانکه بدن را قوت و غذائی است که از آن لذت برد و اگر به او نرسد متألم شود همین گونه روح را قوت و غذائی است و ذکر خدا و شوق و انس با خدا قوت لذیذ و الذغذاهای روح انسانست و چنانکه هر قفلی را کلیدی است قفل مشکلات و مهمات عالم را نیز کلیدی است و یاد خدا کلید آن قفل است هر مهمی و حادثه مشکل و خطرناکی با یاد خدا گشایش خواهد یافت	۱۳۸۵	حکمت عملی	۱۱۱
۲۴	هر کشت و کار و کسب و علم و هنر و صنعت و مشاغل در عالم نظام خلقت لازم و تمام کارهای دنیا واجب کفائی است و باید برای آخرت کرد	۱۳۸۵	حکمت عملی	۱۰۶
۲۵	زارع کشاورز است که کارش آباد کردن زمین و شخم و شیار زدن آن و بذر در آن افشاندن و آبیاری کردن و پروراندن است، جانهای ما مزرعه الهی است؛ در این حدیث شریف تأمل بفرمایید و مزرعه جان را به دست زارع آن بسپارید. گر کام تو برنیامد آنکه گله کن.	۱۳۸۳	انسان و قرآن	۴۳
۲۶	بیایید ندایی را لبیک بگویید که از شجره وجودتان بهره هایی ببرید که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده است و بر هیچ دلی نگذشته است		نقل از احمد بن حنبل	۲۲۳
۲۷	انسان به علم و عمل صالح زنده می شود	۱۳۸۳	انسان و قرآن	۴۳
۲۸	غذای بدن، مادی و از جنس اوست و غذای روح، معنوی و از سنخ اوست. اگر بدن گرسنه باشد، با تحصیل مطالب بلند و ارزشمند علمی سیر نمی شود. بدن نان و آب می خواهد، او غذا از جنس خودش تقاضا می کند. و به سیر شدن بدن، جان سیر نمی گردد	//	//	۴۹

ردیف	مؤلفه‌ها	سال	منبع	ص کتاب
۲۹	اگر در تحت تعلیم و تربیت افرادی که وادیه‌ها طی کرده اند و منازل پیموده‌اند و گردنه‌ها را پشت سر گذاشته‌اند قرار بگیریم، یعنی نهال وجود خودمان را به دست باغبانهای شایسته بدهیم، آنگاه خواهیم دید که از کمون این شجره طيبة الهیه چه ثمراتی به عرصه ظهور و بروز می‌رسد.	//	//	۴۵
۳۰	تعلیم و تأدیب باید در متن اجتماع و اطوار و شئون حقیقت ما قرار بگیرد نه در حاشیه زندگی ما.	//	//	۴۲
۳۱	در نظر بگیرید باغبانی بخواهد نهالهایی را بپروراند: این باغبان دستورالعمل و بینش و دانش و تجربه‌ها و آدابی در تربیت و تأدیب نهال دارد، باید این تجربیات و دستورات را در متن نهال پیاده کند	//	//	۴۱
۳۲	باید این آداب و دستورات در نگاهداشت صورت استکمالی یک نهال در متن حقیقت او پیاده شود	//	//	۴۹
۳۳	مأدبه فرهنگستان و ادبستان است که به تخفیف می‌گوییم دبستان، مأدبه مکتب و مدرسه است که جای تادیب و تربیت است. آنجائی که به انسان آداب یاد می‌دهند آنجا را مأدبه می‌گویند، قرآن به انسان ادب یاد می‌دهد.	//	//	۴۴
۳۴	انسان اگر گرفتار رهن و اهریمن نشود، به وفق اقتضای طلب غریزی و جبلی خود، که ابد و سعادت ابدی خود را طالب است، همه حرف و صنایع و تمام احوال و اطوار شئون زندگی خود را برای استکمال، یعنی به فعلیت رساندن دو قوه نظری و عملی انسانی خود که بمنزله دو بال برای طیران به اوج قرب ربوبی می‌باشند، قرار می‌دهد، و سپس به تکمیل دیگران، یعنی به فعلیت رساندن همان دو قوه انسانی آنان می‌کوشد.	۱۳۸۶	صد کلمه در معرفت نفس	۳۱
۳۵	سوگند به عصر که انسان بر اثر اشتغال به امور طبیعی و استغراق در نفوس بهیمی در زیانکاری است مگر کسانی که در دو قوه نظری و عملی کامل شده‌اند	۱۳۸۳	انسان و قرآن	۴۳
۳۶	تصدیق علم و علم کمال قوه نظری و به فعلیت رسیدن آن است. عمل صالح از قوه عملی به کمال رسیده صادر می‌گردد که موجب ترفیع کلم طیب نفس ناطقه انسانی است	۱۳۸۳	انسان و قرآن	۴۷
۳۷	چون انسان کامل حایز جمیع مراتب کمالات است و خلیفه الله می‌باشد، که هم فاعل در فاعلیت تام است و هم قابل در قابلیت	۱۳۸۶	صد کلمه در معرفت نفس	۳۸
۳۸	ما خیر و سعادت مردم را می‌خواهیم. ما می‌خواهیم که نفوس مستعده به کمال انسانیشان برسند. ما می‌خواهیم بیایند در کنار این سفره الهی لقمه‌ها بردارند، و صاحب مدینه فاضله گردند، و به سعادت ابدیشان نایل آیند. ما حیات و سعادت همیشگی ایشان را می‌خواهیم، و آنها در پی کشتن ما هستند. بین تفاوت ره از کجاست تا بکجا.	//	//	۳۴
۳۹	«تن و جان به هم تمام و کاملند و از هم جدا نیستند، تن و جان به هم تن است، و جان و تن به هم جان است	//	//	۱۱

ردیف	مؤلفه‌ها	سال	منبع	ص کتاب
۴۰	تن را چون به چشم حقیقت بینی جان باشد، و جان را چون به چشم اضافت بینی تن باشد و در جمله محسوسات و معقولات و متقابلات چنین می‌دان.	//	//	۳۸
۴۱	انسان عبارت از بنیت جسمانی تنها نیست، و نیز عبارت از روح تنها نیست، و مرکب از جسم و جان به ترکیب انضمامی نیست، بلکه انسان حقیقت واحدی است که بدنش مرتبه نازله اوست و یک هویت و شخصیت است و در حقیقت همانی است که به من و أنا و مانند آنها بدان اشارت و تعبیر می‌کنند.	//	//	۳۸
۴۲	تشخص هر فرد به یک نحو هویت وجودی اوست که منشأ آثار صادر از اوست؛ و آن هویت وجودی صورت فعلیت اوست که مصداق حقائق صادق بر اوست	۱۳۸۵	دروس معرفت نفس	۶۲۳
۴۳	سؤال پیش می‌آید که چگونه انسان می‌تواند مکیال باشد؟ آیا انسان جامعه‌ساز است یا جامعه انسان‌ساز است؟ و در حقیقت جامعه‌ای جز انسان نیست، یعنی به غیر از انسان جامعه‌ای نداریم که آن را اصل قرار بدهیم و میزان و مکیالش بدانیم.	//	//	۶۰۱
۴۴	انسان است که مدینه فاضله می‌سازد و اجتماع انسانی تشکیل می‌دهد. اما کدام انسان است که مدینه فاضله ساز است، و حال این که هر انسان از متن جامعه و اجتماع برخاست.	//	//	۶۲۲
۴۵	کیف کان انسان آنی است که خود دارای نور برهان و بر مسیر تکاملی انسانی است که یا مکمل است و یا مستکمل. و چنین کسی که مکمل است معیار سنجش حق و باطل جامعه انسانی است.	//	//	۶۱۸
۴۶	آن انسان که با منطق وحی است مؤید به روح القدس است و سفیر الهی است و میزان قسط و صراط مستقیم است. چنین انسانی قدوه و سرمشق دیگران است و همه شئون انسانی او برای دیگران حجت بالغه است و اوست که فصل خطاب است، یعنی همه خطابه‌ها و گفتارهای او با مردم فصل است، و فصل به معنی فرق و تمیز و قطع است.	//	//	۶۱۰
۴۷	آری تا اجتماعی مدینه فاضله نشد همین درنده‌خویی‌ها خواهد بود و آنگاه بدان نایل می‌شود که مردم آن به حقیقت خود آشنایی یابند و این نمی‌شود مگر به نور علم و حلقه تعلیم و تعلم.	//	//	۶۲۲
۴۸	مرتبه ثانیة، که آن را تخلیه نامند، آن است که نفس به مضار و مفاسد اجتماعی و انفرادی اخلاق رذیله و خوبیهای پلید آگاهی یابد و به تدبیر در عواقب وخیم آنها در دنیا و عقبی، بر طبق دساتیر مقرر در فن علم اخلاق، آن صفات ناپسند را از خود دور و محو نماید، همچون کبر و حسد و حرص و شهوت و بدبینی به خلق و خود خواهی و باقی صفات رذیله که در کتب اخلاق ثبت است. و این کار در معالجات روحانی و طب الهی همچون خوردن مسهلات و داروهاست برای رفع اخلاط فاسده در معالجه جسمانی در طب طبیعی	//	//	۶۲۴

جدول ۲. توصیف حقوق شهروندی از دیدگاه سیدحسین نصر

مفاهیم دریافت شده	سند	گزاره‌های استخراج شده
۱- پاسداری از طبیعت و حفظ آن. ۲- تلاش برای بقای محیط زیست. ۳- ثواب اخروی داشتن گاشت و توسعه درختان.	(نصر، ۱۳۹۴، ص ۱۴۱-۱۴۳).	شریعت بر مبنای قرآن و حدیث، تعالیم گسترده فقهی و اخلاقی درباره محیط طبیعت، مهربانی با جانوران، نگهداری از درختان و قطع نکردن آنها مگر در مواقع بسیار ضروری، حفظ گیاهان حتی در زمان جنگ، آلوده نکردن آب جاری و دیگر موضوعات مربوط به آن دارد. خود پیامبر همواره با جانوران بسیار مهربان بود. در مورد درختان، او به اهمیت آنچه امروزه فضای سبز خوانده می‌شود، تأکید می‌کرد. چنانچه فرموده است: «کاشتن درخت حتی یک روز قبل از پایان گرفتن دنیا نیز، عمل پسندیده‌ای است.
۴- تخریب طبیعت به خاطر عقل‌گرایی و رهایی سنت است. ۵- تخریب طبیعت نتیجه آزادی بی‌قید و شرط انسانی	(نصر، ۱۹۵۹، ص ۱۱)	«نصر وقوع چنین فجایی را در جهان معاصر ناشی از دوری انسان از تفسیر سنتی جهان و روی آوردن او به منطق محاسبه و عقل‌ابزاری می‌داند. جدایی از سنت و امر قدسی که انسان را مقید به رعایت حقوق طبیعت، هم‌نوع و خداوند می‌کرد، امروزه جای خود را به سلطنت بی‌قید و بند فرد انسانی داده است. به نظر نصر انسان سنتی از امر قدسی جدا شدنی نیست و همواره به امر قدسی رجوع می‌کند. از آنجا که امر قدسی ابدی و ازلی است، بنابراین لا یتغیر است و در نتیجه سنت نیز که به امر قدسی رجوع دارد لا یتغیر خواهد بود زیرا به منبعی ابدی و ازلی توجه دارد.»
۶- پاسداری از طبیعت نشانه امانتداری است.	(نصر، ۱۳۸۴، ص ۱۴).	انسان نسبت به زمین مالکیت ودیعتی دارد اما «اصل امانت داری خویش را فراموش کرده است و به گونه‌ای بر زمین چنبره زده است.
۷- حق حفظ اخلاقیات در کار	(نصر، ۱۳۸۴: ۱۴۳).	شریعت بر اخلاق کار که اهمیت ویژه‌ای در زندگی اقتصادی دارد، تأکید می‌کند.
۷- حفظ شئون اخلاقی در کار ۸- احترام گذاشتن به عمل کارگر	(همان: ۱۴۳).	تا آنجا که به ارتباط بین کارفرما و کارمند مربوط می‌شود، شریعت به اهمیت ارتباطات شخصی، انصاف و محبت کارفرما، که در موضع قدرت قرار دارد، تأکید می‌کند. بنابر یکی از احادیث، مزد کارگر را قبل از خشک شدن عرق جبینش باید پرداخت کرد.
۹- پرهیز از رباخواری ۱۰- پرهیز از مال‌اندوزی ۱۱- حق داشتن اقتصادی پویا و متحرک	(نصر، ۱۳۸۴، ص ۱۴۴-۱۴۳)	رباخواری قرآن و قانون اسلامی حرام است؛ همچنان که در امپراتوری روم، اروپا قرون وسطی و حتی در انگلستان قبل از دوره هنری هشتم نیز ممنوع بوده است. مال‌اندوزی افراطی که قرآن به شکل طلا و نقره به آن اشاره کرده و معامله آنچه خود حرام است، مثل فروش مشروبات الکلی، منع شده است. در مجموع، شریعت جامعه را به گونه‌ای متصور می‌شود که زندگی اقتصادی در آن پویاست و بر اساس گردش کالا و سرمایه در بخش‌های مختلف جامعه است؛ همان‌طور که خون در بدن انسان جریان دارد.
۱۲- حق برقراری رابطه‌ای مسالمت‌آمیز با سایر کشورها.	(همان: ۱۶۰)	براساس قوانین اسلام معاهده‌های بین‌المللی، مسلمانان می‌توانند با کشورهای خارجی معاهده صلح برقرار کنند و با آنان در صلح و آرامش به سر برند به شرط آن که خود توسط این کشورها تهدید نشده باشند.
۱۳- حق برقراری حکومت برای هدایت جامعه	(نصر، ۱۳۸۴: ۱۵۶).	اما سنجش جامعه انسانی نیز در قرآن وابسته است که به اعضای آن جامعه اجازه می‌دهد تا در مفهوم مذهبی و بر اساس موازین اخلاقی زندگی کنند. خوب بودن یک جامعه بر اساس معیارهایی که حضور پیوسته بعد متعالی در زندگی انسان را منعکس می‌سازد و نیز بر مبنای آرمان‌های معنوی و مذهبی قرار دارد.
۱۴- حق برقراری امنیت برای اقلیت‌های مذهبی دارای کتاب آسمانی. ۱۵- حق دریافت جزیه از سایر اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی.	(نصر، ۱۳۸۴: ۱۵۶).	در مورد اقلیت‌های مذهبی باید گفت که قانون اسلامی زندگی، اموال و آزادی مذهبی آن‌ها را به شرطی که «اهل کتاب» باشند تضمین می‌کند و این اصطلاحی است که در طول تاریخ اسلام بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. «اقلیت‌های مذهبی باید نوعی مالیات مذهبی ویژه (جزیه) بپردازند تا در عوض از حمله بی‌پایان در امان بمانند و مال و جان‌شان حفظ شود.» (نصر، ۱۳۹۴، ص ۱۶۲)

مفاهیم دریافت شده	سند	گزاره‌های استخراج شده
۱۶- حق برقراری وحدت و امنیت	(نصر، ۱۳۸۴: ۱۹۰)	اسلام از طریق وضع قانون الهی، القای ارزش‌های اخلاقی به پیروانش و ایجاد حلقه‌های ارتباطی، نقش عمده‌ای در وحدت بخشیدن به جامعه در مرکز این حلقه‌های ارتباطی که به ترتیب عبارت‌اند از حلقه خانواده، حلقه محله زندگی فرد در شهر و دیارش، حلقه وطن اودر معنای مرسوم کلمه، حلقه امت اسلامی و سرانجام حلقه انسانیت و در واقع کل خلقت، ارتباط بین خدا و انسان قرار دارد.
۱۶- حق برقراری وحدت و امنیت.	(همان: ۱۹۰)	توحید که نظریه اصلی اسلام و به معنای تلیفیک و یکپارچگی است، با تلیفیک روح فرد با مرکز که خدا در آن واقع است، آغاز شد اسلام توانست تا حد زیادی جامعه را به هم بپیوندد و امتی را به وجود آورد که از اقیانوس اطلس تا اقیانوس آرام گسترده شده است. این امت تمدن اسلامی را به وجود آورد که یکی از عمده ترین تمدن‌های جهانی است و علی‌رغم تضعیف آن از قرن هجدهم به بعد، هنوز پابرجاست
۱۷- حق برقراری عدالت در جامعه اسلامی	(نصر، ۱۳۸۴: ۲۲۸)	عدالت عبارت از این است که هر کس وظیفه‌ای را در جامعه بر عهده بگیرد که مطابق با سرشت اوست...
۱۸- حق مبارزه با ستم ۱۸- حق ظلم ستیزی	(همان: ۲۴۰)	علاوه بر پیروی از شریعت و عمل کردن بر اساس فرمان‌های قرآن و حدیث که در بالا ذکر شد، زندگی کردن بر مبنای عدالت به معنای مبارزه با بی‌عدالتی، ستمکاری و ظلم نیز هست. قرآن خود مبارزه بین عدل و بی‌عدالتی را هم بر عهده یکایک افراد و هم برعهده جامعه می‌داند. زندگی کردن بر اساس قوانین ناعادلانه انسانی یا به کارگیری قوانین عادلانه به شیوه‌ای نادرست و یا ساده‌تر بگوییم زندگی ظلم و ستم، مسلمانان را وادار می‌سازد که علیه ناعدالتی که به آنان روا شده، مبارزه کنند. پذیرش ستم بدون ابراز هیچ واکنشی در برابر آن از خود ظلم بدتر است.
۱۹- حق تساوی حقوق بین زنان و مردان	(نصر، ۱۳۸۴: ۱۸۲)	دوگانگی زن و مرد بخش ضروری خلقت خداوند است. هر دو جنس انسان، کامل و دارای روح نامیرا هستند و هر دو جنس در برابر فرائض مذهبی و در برابر قانون خداوند برابرند
۲۰- حق داشتن امنیت برای زنان ۲۱- حق داشتن حجاب	(نصر، ۱۳۹۴: ص ۱۸۳)	یکی از حقوق زنان حفظ امنیت آنان است که این امنیت بعضا با حجاب و پوشش مناسب زنان تامین خواهد گشت، در دین اسلام موضوع حجاب یکی از موضوعات با اهمیت که نه تنها حافظ اخلاق و تجسم تقوا و عفت در جامعه است، بلکه وجود چنین حکمی به نوعی در کرامت زن مسلمان و نگاهداشتن آن از نگاههای نامحرم‌ان است.
۲۲- حق داشتن کرامت و عزت ۲۳- حق داشتن قدرت و اقتدار	(نصر، ۱۳۸۴: ص ۱۸۳)	زنان مسلمان معمولا در خانه از قدرت و اقتدار فراوانی برخوردارند. رفتارهای خوشونت آمیز با زنان در اسلام کاملا مغایر با فرمان صریح قرآن است: با آنان به نیکویی رفتار کنید (ابراهیم/۱۹)
۲۴- حق برخورداری از دستمزد	(نصر، ۱۳۸۴: ص ۱۸۷)	منابع اسلامی هرگز زنان مسلمان را از کار کردن و دستمزد گرفتن منع نمی‌کنند
۲۵- حق آموزش مساوی میان زنان و مردان	(نصر، ۱۳۸۴: ص ۱۸۸)	در مورد آموزش، حدیثی وجود دارد که طلب علم برای هر زن و مرد مسلمان فریضه‌ای دینی است.

مفاهیم دریافت شده	سند	گزاره‌های استخراج شده
۲۶- حق غلبه بر نفس اماره برای رسیدن به آزادی ۲۷- حق بندگی و عبادت خداوند برای رسیدن به آزادی	(نصر، ۱۳۹۴، ص ۲۷۴)	موضع گیری اسلام نسبت به آزادی بر اساس این حقیقت معنوی قرار دارد. اسلام نیز همانند دیگر مذاهب سنتی نقش خود را در کمک به انسان برای غلبه بر نیروهای نفس اماره می‌داند تا انسان بتواند از این طریق به آزادی واقعی برسد؛ تا این که به نوعی فردگرایی کمک کند که به نام آزادی، تنها زنجیرهای بندگی روح انسان را به آن برده گی قدرتمند درونی انسان که نماینده نافرمانی و غضب و شهوت و غایت بندگی است، محکم تر کند. اما این والاترین حس آزادی نتوانسته است که اسلام را از این باور که انسان باید آزاد باشد تا با وقار زندگی کند و در برابر خداوند به عنوان بنده، و در برابر مخلوقاتش به عنوان خلیفه او به انجام وظیفه پردازد، بازدارد.
۲۸- حق آزادی بردگان ۲۹- حق برخورد متعهدانه با بردگان	(همان: ۱۷۶).	اسلام زمانی پا به عرصه وجود گذاشت که برده داری وجود داشت و تقریباً در تمامی دیگر جوامع نیز رواج داشته است. قرآن وحدیث نسبت به مهربانی با بردگان و رفتار انسانی با آن‌ها سفارش کرده اند و همچنین آزادسازی آن‌ها را تشویق می‌کنند.
۳۰- حق برخورد با نفس اماره در برابر آزادی.	(همان: ۳۳۵).	نگرش اسلام به آزادی بر پایه همین حقیقت مابعدالطبیعی استوار است. اسلام همچو دیگر ادیان سنتی وظیفه خود را باری رساندن به انسان‌ها برای به دست گرفتن افسار نفس اماره می‌داند تا بدین وسیله بتوانند به آزادی حقیقی برسند، نه این که در لغافه آزادی به تقویت فردگرایی پردازند
۲۶- حق یاری رساندن به محرومان و مستمندان. ۲۷- رعایت ادب در برابر همه اقشار جامعه.	(نصر، ۱۳۸۴، ص ۱۹۶)	حکم شریعت در ارتباط با دیگر انسان‌ها نه تنها رفتار توأم با مهر و احسان و عطوفت را نسبت به فقیران، بیماران، ضعیفان، یتیمان، و به طور کلی محتاجان توصیه می‌کند، بلکه اخلاق اسلامی که از رفتار پیامبر الگو گرفته است همواره بر اهمیت صفاتی همچون رحمت، احسان، عطوفت و بخشش تأکید بسیار دارد. مسلمان باید نسبت به خود سختگیر اما با اطرافیانش مهربان و بخشنده باشد. این امر از خانواده آغاز می‌شود و در بسیاری از احادیث و آیات قرآن بر اهمیت احسان، یعنی خوبی و نیکی که شامل مهربانی، عطوفت نسبت به والدین، همسر و فرزندان است، تأکید کرده اند رحمت و بخشندگی باید در اعمال و سخنان انسان باشد و در این جا ادب، رفتار و سازگاری نقش اساسی در رحمت، گشاده دستی، تزکیه نفس و شرافت ایفا میکنند که از واقعیت عینی تفکیک ناپذیر است»
۲۸- حق دست یافتن به صلح درونی و روانی.	(نصر، ۱۳۸۴، ص ۲۰۹)	صلح درونی و روانی شهروندان به وسیله رسیدن به تسلیم رضای الهی به دست خواهد آمد.
۲۹- حق داشتن صلح و آرامش و امنیت در جامعه.	(همان)	تعالیم اسلامی دربرگیرنده احکام بسیاری برای فرونشاندن اختلافات بین مردمان است تا صلح و آرامش برقرار شود. اما برترین هدف اسلام هدایت روح انسان به «دار السلام» است که از طریق زندگی زاهدانه و برقراری آرامش درونی با کمک ملکوت به دست می‌آید.
۳۰- حق داشتن کرامت و عزت نفس. ۳۱- حق اطاعت و بندگی خداوند	(همان، ص ۲۵۹-۲۸۵)	خدا آدم را به شکل خود خلق کرد. شکل به معنای بازتابی از اسماء الهی و صفات حق است. به این ترتیب، انسان همچون ای که بازتابنده نور خورشید است، منعکس کننده صفات الهی است. درک چنین خلقتی به عنوان موجودی هسته ای در قلمروی کره خاکی، انسان خداوند به عنوان خلیفه الله (جانشین) و عبدالله (بنده) برگزیده شد. انسان در مقام بندگی باید در اطاعت محض از خداوند، پذیرای مطلق اراده خالق باشد و به عنوان خلیفه الله باید در جهان پویا، و فعال [مجری] اراده خداوند بر زمین باشد. مفهوم اسلامی انسان - یا مرد - به عنوان آنتروپ که دربرگیرنده هر دو مفهوم مذکر و مونث است را می‌توان جمع این دو خصوصیت در او دانست.»

مفاهیم دریافت شده	سند	گزاره‌های استخراج شده
۳۱- حق اطاعت و بندگی خداوند.	(نصر، ۱۳۸۵، ص ۵۶).	انسان در مقام عبد خداوند باید مطیع خواست و مشیت او باشد... و در مقام کارگزاری یا خلافت خداوند بر روی زمین باید فعال باشد. دقیقاً بدین دلیل که نماینده و کارگزار خداوند در این جهان است. انسان پلی میان ملک و ملکوت و واسطه و ابزاری است که مشیت خداوند از طریق آن در این جهان تحقق و تبلور می‌یابد»
۳۰- حق داشتن کرامت و عزت نفس. ۳۱- حق اطاعت و بندگی خداوند	(همان، ص ۲۵۹-۲۸۵)	خدا آدم را به شکل خود خلق کرد». شکل به معنای بازتابی از اسماء الهی و صفات حق است. به این ترتیب، انسان همچون ای که بازتابنده نور خورشید است، منعکس کننده صفات الهی است. درک چنین خلقتی به عنوان موجودی هسته ای در قلمروی کره خاکی، انسان خداوند به عنوان خلیفه الله (جانشین) و عبدالله (بنده) برگزیده شد. انسان در مقام بندگی باید در اطاعت محض از خداوند، پذیرای مطلق اراده خالق باشد و به عنوان خلیفه الله باید در جهان پویا، و فعال [مجری] اراده خداوند بر زمین باشد. مفهوم اسلامی انسان - یا مرد - به عنوان آنتروپ که دربرگیرنده هر دو مفهوم مذکر و مونث است را می توان جمع این دو خصوصیت در او دانست.»
۳۲- حق تشکیل خانواده یکی از حقوق افراد جامعه اسلامی است.	(نصر، ۱۳۸۴، ص ۱۷۷).	خانواده در درون جامعه اسلامی واحد بنیادین جامعه اسلامی خانواده است که به موجب وحی قرآنی جانشین قبیله شده و موجودیت اجتماعی بلافصل هر شخص است. یکی از مهم ترین اصلاحات اجتماعی اسلام، محکم کردن بنای خانواده و پیوند ازدواج بود.
۳۳- حق کمال یافتن نفس	(نصر، ۱۳۷۹، ص ۳۲۶).	انسان به مثابه صورت خدا و آیت الهی به شمار می رود که برای نیل به کمال، مستلزم سلوک و استعلا معنوی است. برای چنین انسانی، زندگی، سرشار از معنا و عالم پر از مخلوقات است که می تواند آن ها را «تو» خطاب کند. وی می داند که در جهانی به سر می برد که هم یک مبدا کلی دارد و هم یک رکن کلی؛ در دایره ای می زیند که مرکز آن مشخص و معلوم است. به تعبیر اسلام، چنین انسانی خلیفه و جانشین خدا بر روی زمین به شمار می رود

جدول ۳ به یافته‌های پژوهش درباره مولفه‌های حقوق شهروندی از دیدگاه علامه حسن زاده آملی و جدول ۴ به یافته‌های پژوهش درباره مولفه‌های حقوق شهروندی از دیدگاه سیدحسین نصر اختصاص داده شده است.

جدول ۳. مولفه‌های حقوق شهروندی از دیدگاه علامه حسن‌زاده آملی

ردیف	مولفه‌ها	مولفه استخراجی
۱	اشاره به دیدگاه کلینی دستگیری از مستمندان	همدلی با خلق خدا در حکومت اسلامی
۲	اشاره به دیدگاه کلینی مهربانی با بیچارگان	
۳	دلسوزی برای مستمندان	
۴	فروتنی با همه	
۵	مهربانی و دلسوزی با مخلوق	
۶	اشاره به شعر سعدی: «من در میان جمع و دلم جای دگر است»	
۷	در توضیح صفات نمازگزار دوری از خودبینی را اشاره می‌کند	
۸	اشاره به تفسیر آیه ۸ سوره آل عمران به حق لبیک گفتن و طلب طبیب کردن برای درمان	احترام به حق شهروند و الزام به تکلیف (رابطه حق و تکلیف)
۹	اشاره به فرزند را بر پدر حقی است و پدر بر فرزند حقی دارد	
۱۰	خویشتن را تفویض به حق کن و او را وکیل خود بگیر	
۱۱	استقامت کن همانگونه که مامو شده ای	
۱۲	اشاره به تفسیر ایمان به خدا نیاوره است کسی که قطع رحم کند	حق برخورداری از عدالت در حکومت اسلامی
۱۳	هر کس با رحم و خویشاوندان و خاندان خود طریق مواصلت و محبت نپوید و از ارحام کناره بگیرد آن کس به خدا ایمان ندارد.	
۱۴	محبت حکم فطرت انسان است. هر که از حکم فطرت بیرون رود از معرفت و ایمان بی بهره ماند	
۱۵	یکی آنکه با دشمن و دوست غضب و خوشنودی او را از عدالت بیرون نبرد، دیگر در حال فقر و غنا اقتصاد و میانه‌روی را رعایت کند، دیگر از خدا خوف و امیدواریش معتدل و مساوی باشد.	
۱۶	عفو خدا بیشتر از جرم ماست	
۱۷	عدالت یگانه وسیله حفظ دول است	
۱۸	عدالت نگهبان خلق است.	
۱۹	«در عالم دنیا و آخرت» آن سلطانت که در روزگارش مردم خوش زندگانی کنند و عدلش به تمام رعیت شامل باشد.	
۲۰	هیچ صفتی دولت‌ها را مانند صفت عدل بر رعیت از حوادث عالم حفظ نتواند کرد.	
۲۱	بر تو باد به کسب و کار حلال و حسن اخلاق و نیکوئی با عیال و تدبیر منزل به نحو احسن و یاد خدا بودن در هر حال.	
۲۲	و به حسن تدبیر منزل پردازیم و به رزق حلال بر آنها توسعه داده و وسایل تربیت روح و جسم آنها را فراهم آریم و به خلق خوش با آنها رفتار کنیم.	
۲۳	چنانکه بدن را قوت و غذائی است که از آن لذت برد و اگر به او نرسد متألّم شود همین گونه روح را قوت و غذائی است و ذکر خدا و شوق و انس با خدا قوت لذیذ و لذت‌های روح انسانست و چنانکه هر قلبی را کلیدی است قفل مشکلات و مهمات عالم را نیز کلیدی است و یاد خدا کلید آن قفل است هر مهمی و حادثه مشکل و خطرناکی با یاد خدا گشایش خواهد یافت	
۲۴	هر کشت و کار و کسب و علم و هنر و صنعت و مشاغل در عالم نظام خلقت لازم و تمام کارهای دنیا واجب کفائی است و باید برای آخرت کرد	

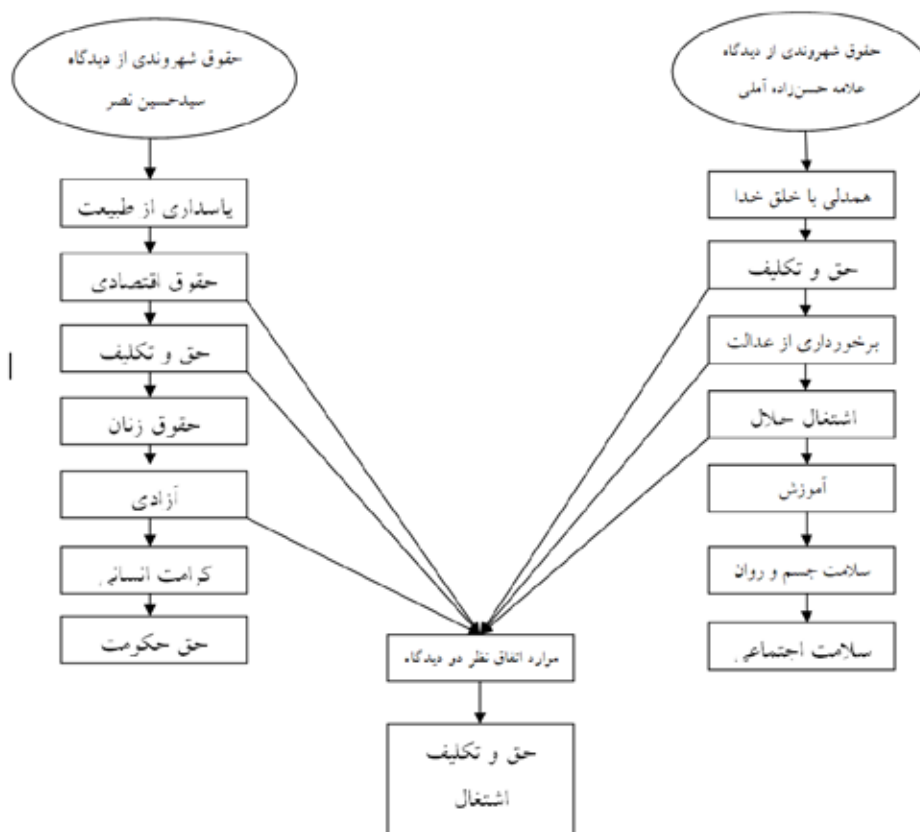
مؤلفه استخراجی	مؤلفه ها	ردیف
حق آموزش	زارع کشاورز است که کارش آباد کردن زمین و شخم و شیار زدن آن و بذر در آن افشاندن و آبیاری کردن و پروراندن است، جانهای ما مزرعه الهی است؛ در این حدیث شریف تأمل بفرمایید و مزرعه جان را به دست زارع آن بسپارید. گر کام تو بر نیامد آنگه گله کن.	۲۵
	بیابید ندایی را لبیک بگویید که از شجره وجودتان بهره هایی ببرید که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده است و بر هیچ دلی نگذشته است	۲۶
	انسان به علم و عمل صالح زنده می شود	۲۷
	غذای بدن، مادی و از جنس اوست و غذای روح، معنوی و از سنخ اوست. اگر بدن گرسنه باشد، با تحصیل مطالب بلند و ارزشمند علمی سیر نمی شود. بدن نان و آب می خواهد، او غذا از جنس خودش تقاضا می کند. و به سیر شدن بدن، جان سیر نمی گردد	۲۸
	اگر در تحت تعلیم و تربیت افرادی که وادیهایی کرده اند و منازل پیموده اند و گردنه ها را پشت سر گذاشته اند قرار بگیریم، یعنی نهال وجود خودمان را به دست باغبانهای شایسته بدهیم، آنگاه خواهیم دید که از کمون این شجره طیبه الهیه چه ثمراتی به عرصه ظهور و بروز می رسد.	۲۹
	تعلیم و تأدیب باید در متن اجتماع و اطوار و شئون حقیقت ما قرار بگیرد نه در حاشیه زندگی ما.	۳۰
	در نظر بگیرید باغبانی بخواد نهالهایی را بپروراند: این باغبان دستورالعمل و بینش و دانش و تجربه ها و آدابی در تربیت و تأدیب نهال دارد، باید این تجربیات و دستورات را در متن نهال پیاده کند	۳۱
	باید این آداب و دستورات در نگاهداشت صورت استکمالی یک نهال در متن حقیقت او پیاده شود	۳۲
	مأدبه فرهنگستان و ادبستان است که به تخفیف می گوئیم دبستان، مأدبه مکتب و مدرسه است که جای تأدیب و تربیت است. آنجائی که به انسان آداب یاد می دهند آنجا را مأدبه می گویند، قرآن به انسان ادب یاد می دهد.	۳۳
	حق توجه به سلامت جسم و روان	انسان اگر گرفتار رهن و اهریمن نشود، به وفق اقتضای طلب غریزی و جبلی خود، که ابد و سعادت ابدی خود را طالب است، همه حرف و صنایع و تمام احوال و اطوار شئون زندگی خود را برای استکمال، یعنی به فعلیت رساندن دو قوه نظری و عملی انسانی خود که بمنزلت دو بال برای طیران به اوج قرب ربوبی می باشند، قرار می دهد، و سپس به تکمیل دیگران، یعنی به فعلیت رساندن همان دو قوه انسانی آنان می کوشد.
سوگند به عصر که انسان بر اثر اشتغال به امور طبیعی و استغراق در نفوس بهیمی در زیانکاری است مگر کسانی که در دو قوه نظری و عملی کامل شده اند		۳۵
تصدیق علم و علم کمال قوه نظری و به فعلیت رسیدن آن است. عمل صالح از قوه عملی به کمال رسیده صادر می گردد که موجب ترفیع کلم طیب نفس ناطقه انسانی است		۳۶
چون انسان کامل حایز جمیع مراتب کمالات است و خلیفه الله می باشد، که هم فاعل در فاعلیت تام است و هم قابل در قابلیت		۳۷
ما خیر و سعادت مردم را می خواهیم. ما می خواهیم که نفوس مستعده به کمال انسانیشان برسند. ما می خواهیم بیابند در کنار این سفره الهی لقمه ها بردارند، و صاحب مدینه فاضله گردند، و به سعادت ابدیشان نایل آیند. ما حیات و سعادت همیشگی ایشان را می خواهیم، و آنها در پی کشتن ما هستند. ببین تفاوت ره از کجاست تا بکجا.		۳۸
«تن و جان به هم تمام و کاملند و از هم جدا نیستند، تن و جان به هم تن است، و جان و تن به هم جان است		۳۹
تن را چون به چشم حقیقت بینی جان باشد، و جان را چون به چشم اضافت بینی تن باشد و در جمله محسوسات و معقولات و متقابلات چنین می دان.»		۴۰
انسان عبارت از بنیت جسمانی تنها نیست، و نیز عبارت از روح تنها نیست، و مرکب از جسم و جان به ترکیب انضمامی نیست، بلکه انسان حقیقت واحدی است که بدنش مرتبه نازله اوست و یک هویت و شخصیت است و در حقیقت همانی است که به من و انا و مانند آنها بدان اشارت و تعبیر می کنند.		۴۱

ردیف	مؤلفه‌ها	مؤلفه استخراجی
۴۲	تشخیص هر فرد به یک نحو هویت وجودی اوست که منشأ آثار صادر از اوست؛ و آن هویت وجودی صورت فعلیت اوست که مصداق حقائق صادق بر اوست	حق سلامت اجتماعی
۴۳	سؤال پیش می‌آید که چگونه انسان می‌تواند مکیال باشد؟ آیا انسان جامعه‌ساز است یا جامعه انسان‌ساز است؟ و در حقیقت جامعه‌ای جز انسان نیست، یعنی به غیر از انسان جامعه‌ای نداریم که آن را اصل قرار بدهیم و میزان و مکیالش بدانیم.	
۴۴	انسان است که مدینه فاضله می‌سازد و اجتماع انسانی تشکیل می‌دهد. اما کدام انسان است که مدینه فاضله ساز است، و حال این که هر انسان از متن جامعه و اجتماع برخاست.	
۴۵	کیف کان انسان آنی است که خود دارای نور برهان و بر مسیر تکاملی انسانی است که یا مکمل است و یا مستکمل. و چنین کسی که مکمل است معیار سنجش حق و باطل جامعه انسانی است.	
۴۶	آن انسان که با منطق وحی است مؤید به روح القدس است و سفیر الهی است و میزان قسط و صراط مستقیم است. چنین انسانی قدوه و سر مشق دیگران است و همه شئون انسانی او برای دیگران حجت بالغه است و اوست که فصل خطاب است، یعنی همه خطابه‌ها و گفتارهای او با مردم فصل است، و فصل به معنی فرق و تمیز و قطع است.	
۴۷	آری تا اجتماعی مدینه فاضله نشد همین درنده‌خویی‌ها خواهد بود و آنگاه بدان نایل می‌شود که مردم آن به حقیقت خود آشنایی یابند و این نمی‌شود مگر به نور علم و حلقه تعلیم و تعلم.	
۴۸	مرتبه ثانیه، که آن را تخلیه نامند، آن است که نفس به مضار و مفاسد اجتماعی و انفرادی اخلاق رذیله و خوبیهای پلید آگاهی یابد و به تدبیر در عواقب وخیم آنها در دنیا و عقبی، بر طبق دساتیر مقرر در فن علم اخلاق، آن صفات ناپسند را از خود دور و محو نماید، همچون کبر و حسد و حرص و شهوت و بدبینی به خلق و خود خواهی و باقی صفات رذیله که در کتب اخلاق ثبت است. و این کار در معالجات روحانی و طب الهی همچون خوردن مسهلات و داروهایست برای رفع اخلاط فاسده در معالجه جسمانی در طب طبیعی.	

جدول ۴. مولفه‌های حقوق شهروندی از دیدگاه سیدحسین نصر

ردیف	مولفه‌ها	مولفه‌ی استخراجی
۱	۱- پاسداری از طبیعت و حفظ آن. ۲- تلاش برای بقای محیط زیست. ۳- ثواب اخروی داشتن گاشت و توسعه درختان. ۴- تخریب طبیعت به خاطر عقل‌گرایی و رهایی سنت است. ۵- تخریب طبیعت نتیجه آزادی بی‌قید و شرط انسانی ۶- پاسداری از طبیعت نشانه امانتداری است. ۳۴- برقراری رابطه‌ای عادلانه با طبیعت	طبیعت
۲	۷- حق حفظ اخلاقیات در کار ۸- احترام گذاشتن به عمل کارگر ۹- پرهیز از رباخواری ۱۰- پرهیز از مال‌اندوزی ۱۱- حق داشتن اقتصادی پویا و متحرک ۱۲- حق برقراری رابطه‌ی اقتصادی مسالمت‌آمیز با سایر کشورها.	حقوق اقتصادی
۳	۱۴- حق برقراری امنیت برای اقلیت‌های مذهبی دارای کتاب آسمانی. ۱۶- حق برقراری وحدت و امنیت ۱۷- حق برقراری عدالت در جامعه اسلامی ۱۸- حق مبارزه با ستم ۱۹- حق تساوی حقوق بین زنان و مردان ۲۶- حق باری رساندن به محرومان و مستمندان. ۲۷- رعایت ادب در برابر همه اقشار جامعه. ۲۸- حق دست یافتن به صلح درونی و روانی. ۲۹- حق داشتن صلح و آرامش و امنیت در جامعه. ۳۲- حق تشکیل خانواده یکی از حقوق افراد جامعه اسلامی است.	حقوق شهروندان در مقابل حکومت اسلامی
۴	۲۰- حق داشتن امنیت برای زنان ۲۱- حق داشتن حجاب ۲۲- حق داشتن کرامت و عزت برای زنان ۲۳- حق داشتن قدرت و اقتدار برای زنان ۲۴- حق برخورداری از دستمزد ۲۵- حق آموزش مساوی میان زنان و مردان	حقوق زنان در جامعه اسلامی
۵	۲۶- حق غلبه بر نفس اماره برای رسیدن به آزادی ۲۷- حق بندگی و عبادت خداوند برای رسیدن به آزادی ۲۸- حق آزادی بردگان ۲۹- حق برخورد متعهدانه با بردگان ۳۰- حق برخورد با نفس اماره در برابر آزادی.	آزادی
۶	۳۰- حق داشتن کرامت و عزت نفس. ۳۱- حق اطاعت و بندگی خداوند ۳۳- حق کمال یافتن نفس	کرامت و عزت انسانی
۷	۱۵- حق دریافت جزیه از سایر اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی. ۱۳- حق برقراری حکومت برای هدایت جامعه	حق حکومت در برابر مردم

با توجه به مولفه‌های حقوق شهروندی از دیدگاه علامه حسن‌زاده آملی و دیدگاه سیدحسین نصر، شکل ۱ به مقایسه دیدگاه‌های آنها اختصاص داده شده است.



شکل ۱. مقایسه دیدگاه‌های علامه حسن‌زاده آملی و دیدگاه سیدحسین نصر درباره حقوق شهروندی

بحث و نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی از جمله مباحث برجسته و مهمی است که نظرات اندیشمندان مختلفی را به خود جلب کرده است یا به عبارتی به جهت اهمیت زیاد حقوق شهروندی به مانند دیگر حقوق‌های انسانی، اکثریت قریب به اتفاق صاحب‌نظران و اندیشمندان بصورت مستقیم یا غیرمستقیم با این مسئله درگیر بودند. از جمله این افراد علامه حسن‌زاده آملی و دکتر حسین نصر می‌باشند که دیدگاه‌های آنها، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. آنچه که مهم و ضروری است این است که این حقوق باید به نوعی احصا و نمایان گردند که دست اندرکاران و افراد ذیربط در این زمینه، با اتقان نظر و بصورت ثابت قدم سعی در اجرای این حقوق و احترام به آنها را در مدیریت شهروندی داشته باشند. جمله این حقوق، حق همدلی و هم‌بانی خلق خداست. همدلی و هم‌بانی، خاستگاه و ریشه اتحاد و وحدت جامعه است. زیرا اگر حبل‌الله، یعنی همان کتاب‌الله و عترت طاهره (ع) به عنوان قرآن ناطق و مجسم، بنیاد جامعه و امت اسلامی است، در حقیقت عقاید و احکامی که در قرآن بیان و از سوی آنان مطرح می‌شود، اصولی است که امت را می‌سازد؛ زیرا امت به گروهی از افراد گفته می‌شود که از یک ریشه و به سمت مقصد واحدی در حرکت هستند. بنابراین، مردم مسلمان باید بخواهند تا با قرار دادن حبل‌الله به عنوان محور وحدت و اتحاد، به همدلی و هم‌بانی برسند و از زبان مشترک برای پیشبرد اهداف خود استفاده کرده و از

هرگونه اختلاف رهایی یابند. البته تحقق این هدف زمانی خواهد بود که هر کسی با مسئولیت و نقش اجتماعی خود آشنا بوده و به آن پایبند باشد. یعنی بر اساس همان سفارش پیامبر(ص) عمل کند که فرموده است: کلکم راع و کلکم مسوول عن رعیت؛ همه شما سرپرست و مسئول هستید و درباره زیر دستانتان بازخواست می‌شوید. (جامع‌الآخبار، ص ۱۱۹).

بال دیگر حقوق شهروندی، حق و تکلیف است. دوگانه مفهوم حق و تکلیف آمده در منشور حقوق شهروندی همانند دیگر اعلامیه‌هایی چون منشور حقوق بشر جهانی، رابطه‌ای پنهان در میان این دو واژه ساخته است که به صورتی صریح و واضح از آن حرفی به میان نیامده است. به‌واقع حق به عنوان پی‌قراول تکلیف مقابلش را تعیین می‌کند. اگرچه این حامل یعنی تکلیف در برابر حق مشخص است اما محمول این تکلیف در برابر سوژه‌های محق به نوعی اخص تعیین نشده‌اند. بر همین اساس است که این چهره دوگانه از منشور چهره‌ای دیگر را به نام بعد اخلاقی می‌آفریند که تمام انسان‌ها را مکلف اخلاقی می‌کند که در برابر منشور حقوق شهروندی آگاهانه مسئولیت‌پذیر باشیم. از باب مثال اگر حق مردم بر حکومت آن است که حکومت امنیت جامعه را برقرار سازد مردم نیز وظیفه دارند که حقوق دولت را برای برقراری امنیت اداء کنند، مالیات‌ها را پرداخت کنند. پس چون رعیت حق والی را بگذارد و والی حق رعیت را به جای آرد، حق میان آنان بزرگ مقدار شود و راه‌های دین‌پدیدار و نشانه‌های عدالت برجا و سنت چنان که باید اجرا گردد. پس کار زمانه آراسته گردد و طمع در پایداری دولت پیوسته و چشم از دشمنان نیز بسته گردد (نهج البلاغه، خطبه ۱۶).

بعد دیگر حقوق شهروندی حق اشتغال است. حق اشتغال در میان حق‌های رفاهی یا نسل دوم حق‌های بشری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اهمیت این حق چنان است که آن را با اعمال و تضمین سایر حق‌های بشری پیوندی نزدیک می‌دهد. توجه به اشتغال و بیکاری همواره اهمیتی انکارنشده در مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارد که تحقق آن را الزامی می‌سازد. مقصود از این حق آن نیست که هر دولت برای تک‌تک شهروندان شغلی مشخص فراهم آورد بلکه این حق و هسته اولیه آن به معنای دسترسی به فرصت‌های شغلی برای شهروندان است. (طاهری، ۱۳۹۲).

اگر بخواهیم تکه از پازل حقوق شهروندی بیافزاییم آن تکه که قطعا تکه بزرگی هم هست، حق آموزش است. حق آموزش از حقوق اولیه بشری است که فارغ از زمان و مکان و مسائلی از قبیل جنسیت، زبان، نژاد، دین و قومیت می‌بایست در مورد تمام اشخاصی که متولد می‌شوند و تا زمانی که می‌میرند ادامه یابد. در حقوق اسلام؛ حق بر آموزش مورد تأکید قرآن، روایات و احادیث ائمه اطهار مورد است و با تعهدات دولت‌ها در زمینه حمایت از آموزش و تداوم آن که موجبات تعالی و رشد جامعه است با مقررات حقوق بشری در خصوص تکلیف بر آموزش همگانی منافات ندارد. نظریات فقهی بیانگر آن است که حق آموزش و تعلیم و تربیت ابتدا وظیفه اصلی خانواده‌ها و دولت‌های حاکم در هر عصری است و دانش و دانایی تنها ممیز انسان از غیر انسان است که حقوق بین‌الملل بشر به حفظ این حق اولیه بشری به شکل قوانین موضوعه جدید تأکید مضاعف نموده ولی هنوز از ضمانت اجرای کافی برخوردار نیست و بایستی به شکل اجباری مورد همت و تلاش همگان قرار گیرد (سلامتی و همکاران، ۱۳۹۴).

یگانه راه حصول به درجات بالای انسانی و معنوی، تعلیم و تربیت نفس آدمی است به همین دلیل است که انبیاء، مهمترین هدف خود را جد و جهد در این زمینه می‌دانسته‌اند، زیرا رهایی از جهل کاملاً از تعلیم و تعلم اثر می‌گیرد. بر طبق آیات متعدد قرآن کریم تعلیم و تربیت اساس بعثت پیامبر بوده است و این تأکید در شرایطی است که اسلام تمام افراد انسانی را از هر خانواده و قشری که باشند

قابل تربیت دانسته و معتقد است اصول فضایل و ارزشهای انسانی در ضمیر و سرشت هر انسانی به ودیعه نهاده شده است (شهیدثانی، ۱۳۸۸).

از دیگر سو، بال دیگر حقوق شهروندی، سلامت روان و جسم است. هدف بهداشت روان محافظت، ارتقاء و بهبود زندگی و سلامت روانی شهروندان یک جامعه است و برای دستیابی به جامعه سالم‌تر و آرام‌تر به قواعدی نیازمند هستیم که مولفه‌های سلامت روان از اهمیت بسزایی برخوردارند. کرامت انسانی که امروزه جایگاه ویژه‌ای را در متون سلامت روان باز کرده است به معنی شان و یا منزلت انسانی است که در یک جامعه رشد نخواهد کرد، مگر با توجه کردن به حقوق خود و دیگران. ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید: تمام انسان‌ها آزاد متولد شده‌اند و در کرامت انسانی و بهره‌مندی از حقوق با یکدیگر مساوی‌اند بگونه‌ای که حتی توسل به شکنجه انسان برای اثبات یک موضوع، خلاف شان و منزلت آدمی است. احترام و کرامت باعث می‌شود که ما چنین حقوقی را برای انسان به رسمیت بشناسیم و برای به رسمیت شناختن حقوق خود و دیگران نیاز به قوانینی داریم که دارای مولفه‌های سلامت روان باشد. وجود قوانین بهداشت روانی به خودی خود تضمین‌کننده احترام و محافظت از حقوق انسانی نیست. به این دلیل که بیشتر قوانین بهداشت روان در ابتدا با هدف محافظت جامعه از بیماران «سایکوز» و دور کردن آنها از جامعه تهیه شده‌اند تا ارتقای حقوق شهروندان. حق بر سلامت به عنوان یک حق ذاتی به این معناست که هر کس حق دارد تا به بالاترین استاندارد سلامت فیزیکی و روانی دستیابی داشته باشد و این حق تمام خدمات پزشکی، بهداشت عمومی، غذای کافی، مسکن مناسب، محیط کار سالم و محیط زیست تمیز را در برمیگیرد. حق بر سلامت در برگیرنده شرایطی است که دولت‌ها برای تأمین امکان یک زندگی سالم، متعهد به فراهم کردن آن می‌باشند. حق بر سلامت به منزله یکی از حقوق بنیادین بشری در اسناد ملی و بین‌المللی جایگاهی ویژه دارد (هاشمی، ۱۳۸۲). در ایران، قانون اساسی و بسیاری از اسناد بالادستی این حق را به عنوان یک حق بنیادین به رسمیت شناخته‌اند و آن را در نظام حقوقی خود شناسایی کرده‌اند. بصورت کلی می‌توان گفت که حقوق شهروندی از هر جنس و ماهیت که باشد، جز لاینکف زندگی بشری است که در جای جای آثار اندیشمندان به نوعی به آنها پرداخته شده است که به برخی از آنها با استنادات علمی، پرداخته شد. امید است که هر جامعه با رویکرد حکومت اسلامی براساس دیدگاه دینی و مذهبی خود، کرامت انسانی شهروندان را از همه ابعاد مورد توجه قرار دهد.

منابع

- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۵). فلسفه حقوق بشر. قم: مرکز نشر اسراء.
- حسن‌زاده آملی، حسن. (۱۳۶۵). هزار و یک نکته. چاپ پنجم، قم: نشر رجاء.
- حسن‌زاده آملی، حسن. (۱۳۷۲). انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه. چاپ اول، قم: نشر قیام.
- حسن‌زاده آملی، حسن. (۱۳۷۵). نصوص الحکم بر فصوص الحکم. چاپ دوم، تهران: نشر رجاء.
- حسن‌زاده آملی، حسن. (۱۳۷۶). مجموعه مقالات. قم: دفتر تبلیغات.
- نصر، سیدحسین (۱۳۵۰). علم و تمدن در اسلام (ترجمه احمد آرام). تهران: نشر اندیشه.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۰). معرفت و معنویت (ترجمه انشاءالله رحمتی). تهران: نشر سهرودی.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۸۳). سنت عقلانی اسلامی در ایران (ترجمه سعید دهقانی). تهران: نشر قصیده سرا.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۸۶). اسلام سنتی در دنیای متجدد (ترجمه محمد صالحی). تهران: نشر سهرودی.

نصر، سیدحسین. (۱۳۸۹). جوان مسلمان و دنیای متجدد (ترجمه مرتضی اسعدی). قم: نشر طرح نو.
نصر، سیدحسین (۱۳۸۹). دین و نظام طبیعت (ترجمه محمد غفوری). تهران: نشر حکمت.
مهرپور، حسین. (۱۳۷۷). نظام بین‌المللی حقوق بشر. تهران: انتشارات اطلاعات.